

انسان و دانش

بدون شک دالان ورودی به انسان شناسی و شناخت ابعاد وجودی او معرفت شناسی است و کلید معرفت شناسی تفکر و سوخت تفکر پرسش است و لذا برای شناخت علم و آگاهی و ارزش آن در خود تأمل می کنیم و یافته های درونی خود را مورد توجه قرار می دهیم و با کلید تفکر به ارزش یابی و ارزش گذاری اندیشه خود می پردازیم و از این راه با درون مایه های انسانی خود آشنا می شویم .

وقتی ما درون کاوی می کنیم از حقیقتی بنام علم و آگاهی در خود آشنا می شویم این خود آگاهی و فهم از هستی اساس شناخت و معرفت ما را سامان می دهد و پایه تمام معارف ما خواهد بود شما وقتی به بچه ای که تازه به دنیا آمده است توجه می کنید اولین عکس العمل که او نسبت به فضای جدید که در آن قرار گرفته است دارد شما را به خود جلب می کند آری او با فریاد بلند می خواهد حقیقتی را بیان کند که دیگران از آن بی خبر اند او می داند جایی که آمده است با منزلگاه قبلی او متفاوت است و می داند فضای انس و الفت او تغییر پیدا کرده است او از این که او را از وطن خود به سر زمین غربت آورده اند غمگین و ناراحت است . اما او ساکت نمی نشیند در مدت زمان کوتاه حس کاوشگری و پرسشگری او فعال می شود و با صدا ها آشنا می شود و کم کم دست خود را به سوی اشیاء دراز می کند و هر چه به دست می آورد به دهان می گذارد دیگران فکر می کنند این بچه شایق و علاقمند به خوردن است غافل از این که خوردن ابزار معرفت او است او برای این که محیط اطراف خود را بشناسد از ابزار دهان استفاده می کند او در اوایل زندگی در کمترین زمان کلی از اطلاعات را کسب می کند از آنجا که تمرکز حواس دارد و معارف و صور ذهنی ای که او را مشغول خود کند خیلی محدود است و لذا در کمترین زمان می تواند از ابزار های مختلف مانند دست و چشم و گوش در کمترین زمان کلی اطلاعات دریافت کند افراد نابینا در کمترین زمان از حس اطلاعاتی دستش استفاده می کند همانطور که من با چشم پول هزار تومانی را از صد تومانی تشخیص می دهم فرد نابینا هم با ابزار دست می تواند همین کاری که من با چشم می دهم با حس دست تشخیص دهد و اگر من بخواهم از ابزار دست برای درک حقایقی که نابینا با دست به آن راه یافته است دست پیدا کنم مدت زمان زیادی را برای یاد گیری باید صرف کنم چون اشتغالات قوای حسی مانع از تمرکز در ادراکات می شود هر چه تمرکز کمتر قدرت یاد گیری کمتر می شود و بر عکس هر قدر تمرکز بیشتر توان یاد گیری هم افزایش می یابد او کم کم با معلومات خود آشنا می شود و لذا از ائمه علیهم السلام نقل شده است که علم آموزی در کودکی مانند نقش بستن بر سنگ است .

کودک هر قدر که بزرگ می شود صورت های جدیدی در ذهن او نقش می بندد وقتی در این صورت های ذهنی که معلومات ما به حساب می آیند مورد توجه قرار می دهیم به نکته های نابی دست می یابیم که اگر نبود کلید تفکر این حقایق قابل وصول نمی بود در نگاه ظاهری به صورت های ذهنی ما با سه دسته از صور ذهنیه آشنا می شویم .

ابزار شناخت انسان

ادراکات حسی

با تأمل در مدرکات و معلومات خود و یافته های درونی خود با سه ابزار شناخت آشنا می شویم یک دسته معلومات است که از طریق حواس ظاهری بدست آمده اند یعنی از طریق چشم و گوش و پوست و بینی و دهان این صورت های ذهنی حاصل شده اند مثلا با ابزار چشم با صورت های مختلف آشنایییم منظره های زیبا و قیافه دوستان و ... و با گوش خود صدای خود و صدای موجودات دیگر را می شنویم و می شناسیم و از طریق حس بویای خود بوی های که در اطراف ما در فضا پراکنده اند را ادراک می کنیم و با حس لامسه بدن خود و اشیاء دیگر را لمس می کنیم و می شناسیم و بلاخره سرما و گرما و زبر و نرم و سفت و شل و دیگر دیدنیها و شنیدنیها و بویدنیها و لمس کردنیها و چشیدنیها را ادراک می کنیم .

بنابر این یکی از ابزارهای شناخت خود ما همین حواس ما است که احتیاجات فراوانی از ما را همین حواس بر آورده می کند که وصف و توصیف شرح حال هر یک کتاب مستقلی می طلبد که این قوای ادراکی را به نام عقل تجربی می شناسیم .

ادراکات عقلی

وقتی ما به درون خود مراجعه می کنیم در درون خود می یابیم که ما به چیزهای علم و معرفت داریم که از راه حواس ما انجام نمی گیرد همین معلوماتی که ما از طریق حس گرفته بودیم معلوم ما هستند و اینها را با هم ارتباط می دهیم و تجزیه و تحلیل می کنیم و چیزهای جدیدی کشف می کنیم که این فهم های جدید از طریق حواس انجام نمی گیرد مانند این که رابطه علت و معلول و بحث علیت و اجتماع نقیضین محال است و ممکن ، ضرورت ، وجوب ، عدم و .. از این نوع معلومات استفاده می شود ما یک قوه و ابزار دیگری هم برای ادراک حقایق داریم که غیر از قوای حسی ما است این قوه ادراکی را عقل تجربی یا تحلیلی می نامیم .

این دو نوع ادراک یعنی ادراکات حسی و عقلی جایگاهشان به حسب ظاهر مغز انسان است که متشکل از جمجمه و تارهای عصبی مرتبط با قوای حسی و ... است .

ادراکات شهودی

وقتی ما بیشتر در درون خود سیر می کنیم و معلومات خود را بازبینی می کنیم با حقیقت ادراکی دیگری آشنا می شویم که کارش با این نوع ادراکات فرق می کند و جایگاه او مغز نیست بلکه قلب و دل انسان است این ابزار ادراکی ما نه مانند ابزار حسی ما است که صورت سازی کند و نه مانند ابزار ادراک عقل ما است تا تجزیه و تحلیل کند بلکه یک نوع ادراکات خاص خود را دارد مثلا شجاعت و عطوفت و مهربانی و مهر ورزی و ایثار و عشق و علاقه و بخل و حسادت و کینه و عجب و غرور نفرت و دشمنی و جوانمردی و حریت اینها هم مفاهیمی اند که من آنها را درک می کنم و می فهمیم چه هستند اما راه فهم اینها نه قوای حسی ما است و نه عقل ما بلکه عقل ما می تواند شجاعت را تجزیه تحلیل کند ولی آن حقیقتی که بنام شجاعت در درون خود می یابیم آن مربوط به عقل من نیست از طریق عقل آن را ادراک نمی کنم بلکه از راه دل و قلب آن را می فهمیم که داریم یا نداریم

و آن چه از طریق دل درک می شود به علم حضوری و شهودی است بر خلاف آن دو راه قبل که از طریق حصول انجام می گرفت
بنابر این وقتی در خود کاوش می کنیم در می یابیم که ما سه قوه ادراکی داریم که یکی حواس ظاهری است و دیگری عقل است
و سومی راه دل و قلب است .

مراتب وجودی انسان ها

همه انسان ها با ابزار های حسی آشنایند و بیشتر ارتباطات درونی و بیرونی خود را با همین ابزار سامان می دهند و عده ای
علاوه بر استفاده از این ابزار حسی بیشتر سر و کارشان با ادراکات عقلی است و سعی می کنند ارتباطات درونی و بیرونی خود را
با تجزیه و تحلیل های عقلانی سامان بخشند چرا که این گروه خود را محصور در ارتباطات حسی نمی دانند و خود را فراتر از آن
می دانند و در سطح بالاتری به خود و اطراف خود می نگرند و حاضر نیستند خود را در زندان حواس محصور کنند .
عده ای کمی هم از این گروه هم فراتر رفته و خود را از بند حصولیات می رهانند و به دنبال وجدانیات و مشاهدات قدم بر می
دارند و بیشتر سر و کارشان با قلب و دلشان است و سعی می کند روابط درونی و بیرونی خود را با ادراکات دل نظم و نظام بخشند
بنابر این کسی که به ادراکات حسی خود مشغول است و بیش از آن را نیافته است نباید بر کسی که از او فراتر رفته و به ادراکات
عقلی دست یافته است خورده گیرد و همچنین کسانی که راه عقل را طی کرده اند و به ادراکات عقلی نایل شده اند نباید بر
روندگان راه دل و عرفان خورده گیرند چرا که راه عقل غیر از راه دل است با ادراکات عقلی نمی شود ادراکات دل را فهمید .

رابطه ادراکات

البته باید توجه داشت که این سه نوع ادراک در عرض هم نیستند و رابطه عرضی با هم ندارند بلکه رابطه آنها طولی است و هر
یک بستر ساز برای ادراک دیگری است ادراکات حسی راه را برای ادراکات عقلی و ادراکات عقلی راه را بر ادراکات عرفانی هموار
می کنند .

تشبیه معقول به محسوس

از آن چه گذشت معلوم شد که انسان سه نوع ادراک دارد و هر یک از ادراکات هم حوزه خاص خود را دارند برای این که ما
مقداری این سه نوع ادراک را بطور ملموس بیان کنیم تا کسانی که راه عقل و دل را نپیموده اند بتوانند تصویری از ادراکات عقل و
دل داشته باشند تشبیه معقول به محسوس نموده و مثالی می زنیم تا بحث معلوم شود .

ادراکات حسی برای همگان روشن است ما کوه های سر بر افراشته و دشت های گسترده و بیکران و گل ها و حیوانات زیبا و
قشنگ و ده ها و هزاران دیدنی دیگر را با چشم خود می بینم و با گوش خود صدای های زیبای آبشارها و پرندگان را می
شنویم و با بویای مان بوی ها معطر و متنفر را استشمام می کنیم و با دست مان چیزی های لطیف و زبر و سخت و نرم را لمس می
کنیم و

اما فقط کار انسان‌ها بوییدن و چشیدن و دیدن و گوش کردن و لمس نمودن نیست بلکه انسان‌های هستند که توانستند از طریق همین دیدن و شنیدن‌ها کارهای عظیمی انجام دهند که انسان از کار آنها در تحیر و تعجب فرو می‌ماند همین انسان توانسته است ماشینی بسازد مسیری را که در طول چند ماه با اسب و قاطر و شتر می‌پیمود در مدت چند روز بپیماید و همین انسان توانسته است هواپیمایی را بسازد که مسیری را که در چندین روز و ماه با ماشین می‌پیمود در مدت چند ساعت بپیماید و همین بشر توانسته است قطاری و هواپیمایی بسازد که چند صد نفر را در مدت زمان کوتاهی از شرق عالم به غرب عالم انتقال دهد.

همین انسان توانسته است بر دید انسان چند صد برابر بیافزاید چشمی که بیش از چند کیلو متر برای او قابل درک نبود امروزه می‌تواند از هزاران کیلومتر موجودات را مشاهده کند.

و انسانی که نمی‌توانست در فاصله بیش از چند صد متر صدای انسانی را بشنود امروز می‌تواند در یک آن صدای هر حشره و موجودی ریزی را در اقصای نقاط جهان بشنود.

آری انسان چنان توانسته است پیش برود که دل زرات اتم را می‌شکافد و از آن انرژی هسته‌ای می‌سازد بطوری که اگر امروز بخواهد این کره خاکی را به خاک سیاه بکشد می‌تواند با فشار دادن کلیدی تمام موجودات روی کره خاکی را ذوب و نیست و نابود کند.

آری این انسان چند من وزن و چند سانت قد چنان توان و قدرتی دارد که می‌تواند بر کرات عالم تسلط یابد. این کارهای عظیم و محیر العقول که توسط اندیشمندان و دانشمندان انجام گرفته ربطی به قوای حسی آنها ندارد نه فقط در فکر دیدن و شنیدن و بوییدن و چشیدن و لمس کردن نبوده اند بلکه آنها از نیروی عقل هم بهره بردند و ساعاتهای زیادی از عمر خود را در اندیشه و فکر گذرانده اند که توانسته اند به حقایقی دست یابند و مصنوعات داشته باشند.

اما عظمت و شکوه انسان فقط این نیست انسان برتر از این است و راه او فقط سیر عقلانی نیست بلکه عظمت و جلالت انسان در ادراکات قلبی اوست.

عده‌ای از انسان‌ها به جای این که خود را مشغول ساختن فضا پیما و هواپیما و شکافتن دل هسته‌های اتمی صرف کنند و مشغول جهان‌گردی و فضا نوردی باشند و به ادراکات عقلی دل خوش کنند و در حوزه اکتسابات حصولی عمر خود را هزینه کنند مشغول دل خود شده اند و به نظاره جهانی در درون خود نشسته اند و بلکه جهانی را ساخته اند که محیر العقول است برای این که عظمت کار این عده از انسان‌ها معلوم شود مثال می‌زنیم.

مثال ملموس و روشن که برای همگان قابل درک و فهم است انسانی است که توانسته بود دل میلیون‌ها انسان را با خود همراه کند و تمام زور مداران عالم را با تمام ادوات و ابزار آلات و قوای مادی به زانو در آورد و همگان را در بهت حیرت فرو برد و سردمداران شرق و غرب عالم را در مقابل خود به خضوع و کرنش وا دارد این کار عظیم او بر آمده از ذکاوت و تیز هوشی و عقل و اندیشه او نبود چرا که در طول تاریخ صاحبان فکر و اندیشه در همه جای عالم بوده اند ولی افراد معدودی توانسته بودند چنین هیمنه و ابهتی داشته باشند این عظمت و جلالت این همه نفوذ در دلها و قلبها ناشی از اتصال او به حقیقت عالم هستی بود او به

جای تسلط مادی بر عالم و تسخیر ملکی و فیزیکی عالم بر روح و روان و ملکوت عالم مسلط بود این که در قرآن می فرماید سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض تسخیر حقیقی تسخیر بر جان و روح عالم است و الا تسخیر که انسان را اسیر خود کند تسخیر نیست اگر بشر هواپیما و موشک و ماشین و ده ها وسیله و تکنولوژی به راه اندازد ولی به همان مقدار بر اسارت و زحمت او افزوده شود این چه تسخیر طبیعتی است تسخیر طبیعت آن است که تو فرماندار باشی و او فرمانبر همان کاری که حضرت سلیمان انجام می داد ابر تحت فرمان او بود باران به دستورش نازل می شد و الا بشر امروز موبایل می سازد تا بر طبیعت سلطه یابد ولی بیش از آن که طبیعت را اسیر خود کند خود او در گرو و اسارت طبیعت قرار می دهد و لذا عارف روشن ضمیری مانند امام راحل ره بر دل و جان ها حکومت می کند او با قلب خود خدای خود را شناخته بود نه با عقل خود او توانسته بود حواس و عقل خود را مطیع قلب خود کند و لذا به یک فرمان او هزاران جوان عاشق و دلباخته آمده جان بازی می شدند و به عشق او خود را در مقابل توپ و تانک دشمن قرار می دادند تا لبخند شادی بر لب امام بنشانند .

نمونه دیگر شخصیت پر نفوذ جهان کنونی سید حسن نصر الله است این شخصیت در حد و مرز خاصی محصور نشده و در میان شیعه و سنی و مسیحی و یهودی با دین و بی دین چهره محبوب جهان است کسب چنین وجه ای نه از طریق حواس قابل حصول است و نه از طریق ادراکات صرف عقلی بلکه سید حسن نصر الله بیش از هر چیزی به نفس و دل خود پرداخته و خود را برای خدا وقف خدمت به بشریت کرده است انسان باید سالها جان بکند تا بتواند رذایل اخلاقی را از دورن خود بیرون کند تا به محبوبیت برسد .

با توجه به آنچه گذشت معلوم شد انسان ها به حسب نوع ادراکات با هم تفاوت دارند بعضی فقط از ادراکات حسی بهره می برند و بعضی از ادراکات حسی و عقلی و بعضی دیگر از ادراکات حسی و عقلی و قلبی بهره مندند .

انسان شناسی

با توجه به مطلبی که گذشت ما باید به نیازها و تواناییهای انسان بپردازیم و بینیم این انسان با این ادراکات سه گانه ای که دارد حد نیاز و خواسته هایش چقدر است و از چه تواناییهای برخوردار است و تا چه حد می تواند توان خود را به فعلیت برساند به عبارت دیگر حد شدن انسان چه مقدار است .

خواسته و نیازهای انسان حد یقف ندارد انسان هم به لحاظ حواس ظاهری به دنبال اشباع حواس است می خواهد تمام دیدنیهای زیبای عالم را ببیند و تمام صداهای زیبای عالم را بشنود و تمام بوهای خوش عالم را استشمام کند . و هم به لحاظ عقلی می خواهد همه حقایق عالم را کشف کند و بداند و هم به لحاظ قلب و دل می خواهد محبوب همگان باشد و همه را تحت سیطره و فرمان خود در آورد بنابر این خواسته و نیازهای انسان محدود به یک حد جغرافیای خاصی نمی شود و تمام سعی و تلاش دانشمندان و علمای عرصه های مختلف علمی حکایتگر این حقیقت است .

انسان سر تا پا نیاز و احتیاج است و به قدر فقر و ندریش می خواهد هر چقدر فقیر تر و نیازمندتر به همان مقدار خواسته اش بیشتر است .

